



بسمه تعالی

سال تحصیلی: ۱۴۰۱-۱۴۰۲

نام و نام خانوادگی:

اداره کل آموزش و پرورش استان یزد

نام پدر:

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان اردکان

رشته تحصیلی:

اداره استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان

پایه تحصیلی: هفتم

دبیرستان دوره اول فرزنانگان شهدا

نوبت: اول

سوالات درس: املا

تعداد صفحات: ۱

تعداد سوالات: ۱

مدت پاسخگویی: ۳۰ دقیقه

امضاء دبیر:

نمره به حروف:

نمره به عدد:

نام و نام خانوادگی دبیر:

ردیف	سوال	بارم
۱	این زندگی حلال کسانی که همچو سرو الهی دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست گیر که دستاویز نداریم. غرقه ی شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناگهان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگشتان پاهای برهنه ام احساس کردم؛ آب، جوشش چشمه ها! آب، این روح مذاپ امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و نیرومند با گام های استوار و امیدوار شتابان می رفت. من به هیچ وجه قبول نمی کنم حرف ها و تحلیل های کسانی را که گاهی در برخی از مطبوعات یا رسانه ها از انحراف نسل جوان سخن می گویند این طور نیست. اگر گاهی اشتباه و خطایی از جوان سر بزند با توجه به دل پاک و نورانی جوان، این اشتباه کاملاً قابل جبران است. کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتی های طبیعت، سرشار از درس ها و اندرزهاست. اگر نیروی جوانی و شادابی و چالاکی این دوره را با تأمل، تفکر و بصیرت همراه کنیم به شکوفایی خواهیم رسید. پدرم می گوید: قلب، مهمان خانه نیست که آدم ها بیایند، دو سه ساعت یا دو سه روز توی آن بمانند و بعد بروند. قلب، لانه ی گنجشک نیست که بهار ساخته شود و در پاییز باد آن را با خودش ببرد. می گویند اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرورفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر بروی سنگ ها حک شده بود هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی کرد. از هر دو طرف صداهای غریب و مهیب به گوش می رسید؛ آقای مرحوم صدایی داشت عیناً مثل صدای ارواح خبیث؛ زمخت و نخراشیده؛ و آقای مرهم مدام جیغ بنفش می کشید! جنگ مغلوبه شده بود. موفق باشید.	۲۰